

حکمت مشاء و جایگاه فارابی

فلسفه در جهان اسلام

نتیجه ی یک حیات عقلی در جهان اسلام به حیات فلسفی انجامید. حیات عقلی: توجه مردم یک جامعه به عقل و تفکر به طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی شود.

حکمت مشاء

فلسفه ی اسلامی از همان ابتدا سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی به آرای ارسطو بود.

از آنجا که ارسطو در مباحث فلسفی بیش از هر چیز به قیاس برهانی تکیه کرد فلسفه ی اسلامی هم صورت استدلالی قوی به خود گرفت.

تلاش های محکم فارابی و نبوغ استدلالی ابن سینا، این صورت استدلالی را با ظریف ترین موشکافی ها آراست و یک نظام فلسفی قوی پدید آورد.

این شیوه ی تفکر فلسفی به خاطر موسس اول آن، ارسطو به « حکمت مشاء » معروف شد.

ویژگی اصلی حکمت مشاء همان صورت استدلالی آن و الگو گرفتن از ارسطو بود.

حکمای مشاء

تعریف حکمت از دیدگاه ابن سینا:

فنی استدلالی و فکری که انسان عالم، وجود را آن چنان که هست، به وسیله ی این فن به دست می آورد و نفس خویش را به کمال می رساند و به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی تبدیل می شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی، به اندازه ی طاقت بشر می گردد.

فارابی و ابن سینا بزرگترین حکمای مشائی محسوب می شوند.

فارابی :

در فلسفه سرآمد روزگار خود بود.

در حقوق، نجوم و سیاست نیز شهرت داشت.

در فلسفه ی سیاست نظریه پرداز بود و دیدگاهش به دیدگاه افلاطون نزدیک بود.

با میراث فلسفی یونان به خصوص آرای افلاطون و ارسطو به خوبی آشنا بود.
آثار فارابی:

- الجمع بین رای الحکیمین (جمع میان نظرات دو حکیم) : نقاط مشترک اندیشه های افلاطون و ارسطو را در این کتاب آورده است.

- اغراض ارسطو فی کتاب ما بعد الطبیعه : در این کتاب نظرات ارسطو را شرح کرد و نکات پیچیده ی آن را آشکار کرد؛ به طوری که بعدها راهنمای ابن سینا در فهم کتاب ارسطو شد.

فارابی به علت آشنایی با تعالیم اسلام توانست آموخته های خود را از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید، عرضه کند و فلسفه ی مشائی را در جهان اسلام بنا نهد.

به همین دلیل پس از ارسطو لقب معلم گرفت و به « معلم ثانی » شهرت یافت.

عرضه ی یک نظام فلسفی جدید (فلسفه ی مشاء) شهرت یافتن به معلم ثانی

مدرسه مجازی اینو